

فصل چهارم. اصل توجه به نیازهای طبیعی و غریزی و تاثیر آن در ایمان

«اگر اجازه دهیم که کودکان بر اساس طرح‌های زیست‌شناسی خود، زندگی کنند همه تربیت را دریافته‌ایم.»^[۴] اریکسون

«فرض کنید: یک سنگ کنار ما باشد، یک گیاه، یک حیوان شهوانی، یک شیطان، و نهایتاً یک فرشته هم کنار ما باشد؛ همه این‌ها را تصور کنید!... یک انسان نیز، ترکیبی است از همه این‌هاست: طرفه معجونی از جماد، نبات، غضب و شهوت حیوان، جنبه معنوی و نورانی فرشته.

تاکنون دیده‌اید افرادی را که فنّ تربیت نمی‌دانند به خودشان یا به فرزندشان فشار می‌آورند! بچه به بازی (که از حکمت‌های خداوند در کودک است) نیاز دارد؛ ولی مانع آن می‌شوند! در حالی که مقداری انرژی در وجود کودک ذخیره است که فقط با بازی می‌تواند این انرژی را تخلیه کند... همواره به او می‌گویند خدا، پیغمبر، قیامت، آتش جهنم... بچه بزرگ می‌شود در حالی که احتیاجات طبیعی وجودش برآورده نشده است، تا در سنین بیست و چند سالگی، همه قوای جمادی و حیوانی او ذخیره شده، این شهوت‌ها و تمایلات اشباع نشده یک مرتبه زنجیر پاره می‌کند.

این بچه‌ای که شما می‌دیدید در اثر تلقین پدر در ۱۲ سالگی در نمازش مقید بود، دعا و نماز شب می‌خواند، یک باره در ۲۵ سالگی یک فرد منحرف از آب درمی‌آید که آن سرش ناپیدا است.

چرا؟ برای اینکه شما به بهانه مقامات عالی‌روحي، سایر غرایز طبیعی او را سرکوب کرده‌اید.^[۱] این سخنان استاد مطهری رحمته‌الله اسلام‌شناس بزرگ معاصر بود که کاملاً مقصود ما را به شما ابلاغ کرد. پیام روشن است: به تعبیری یکی از نویسندگان: «تربیت با طبیعت باید منطبق باشد»^[۲] یعنی تربیت دینی و توحیدی همان‌طور که باید منطبق با فطرت باشد، باید منطبق با طبیعت و غریزه نیز باشد. برای توحیدی بار آوردن کودکان نباید از غرایز خاکی، مادی و زمینی آن‌ها کم گذاشت؛ زیرا این کار، کودک را با خودش درگیر کرده و سبب دوگانگی شخصیتی در او می‌شود.

تصوّر کنید کسی از یک طرف متأثر از جاذبه دینی و برداشت‌های نادرست دینی، ازدواج و تامین نیازهای زیستی و غریزی را کنار بگذارد و از طرفی دیگر در درون خود میل به ارضای غریزه داشته باشد! او در کشاکش این دو جاذبه مصداق این فرد خواهد بود که مردد است: یک دست به مصحفیم و یک دست به جام گه نزد حلالیم و گهی نزد حرام! آیت‌الله بهجت در دیدار با نابغه قرآنی ایران، محمدحسین طباطبایی به همراه پدرش، خطاب به پدر محمدحسین فرمود:

«من فقط خواهشی که از شما دارم این است که از اعتدال خارج نشوید! محمدحسین، تفریحات مشروع زیاد انجام دهد، بازی و سرگرمی‌هایش را داشته باشد. تغییر آب و هوا خیلی تأثیر دارد (مسافرت برود). شنیده‌ام که عده‌ای به خاطر تعویض خون به کشورهای خارج مسافرت می‌کنند، اما من فکر می‌کنم این مسافرت کار تعویض خون را می‌کند. ان شاء الله که شما در تربیت ظاهری، باطنی و صوری و معنوی ایشان موفق باشید... انشاء الله فراموش نمی‌کنید. اگر هیچ کدام از این‌ها نباشد، همین بین الطلوعین در هوای آزاد قدم زدن و تعقیبات نماز را خواندن خیلی تأثیر دارد. به هر حال این مقدار از دست ما برمی‌آید که این‌ها را تذکر بدهیم.»^[۳]